

چین چگونه از سد تحریم های آمریکا گذشت؟

حامد وفايي - استادیار دانشگاه تهران

«چینی هایی که سنی از آن ها گذشته، هرگز نسبت به واژه «تحریم» بیگانه نیستند، از همان ایام تاسیس و اعلان جمهوری خلق چین تا به امروز، ۶۹ سال سپری شده و در تمام این سال ها «تحریم» به عنوان چماق بزرگ ایالات متحده در مواجهه با تحرکات پکن به کار رفته است. اصلا می توان چنین گفت که اصطلاح «تحریم» طی این ایام یادآور چندین دهه تلاش برای اعمال فشار بر ما و تحقیرمان بوده است.»

جملات بالا، متن توثیق یکی از تحلیل گران مسائل بین المللی در چین است که در حساب کاربری او بر سامانه توییتر چینی که در این کشور با نام «وی بو» شناخته می شود، منتشر شده و به وضوح نمایانگر آشنایی سیاستمداران و حتی مردم عادی چین با جریانهای به نام تحریم است.

با بررسی سوابق تحریم های اعمال شده علیه جمهوری خلق چین به عنوان رژیم فعلی حاکم بر این کشور، در می یابیم که تنها کمتر از یک ماه پس از اعلان رژیم سوسیالیستی در نخستین روز اکتبر ۱۹۴۹ از سوی مائو زه دونگ، پکن با پدیده تحریم ها روبرو می گردد. ماجرا به ایامی باز می گردد که قدرت گرفتن حزب کمونیست چین در پرجمعیت ترین کشور دنیا به عنوان جریانهای که در بادی امر چه در حوزه های نرم افزاری از جمله ایدئولوژی و تئوری های سیاسی و چه در ابعاد سخت افزاری چون جنگ افزار و پشتیبانی های لجستیک به شوروی سابق و بلوک شرق وابسته بود، برنامه ریزی جهت اعمال نخستین تحریم های کشورهای غربی علیه این مجموعه را کلید می زند.

اولین حرکت بلوک غرب در آن زمان تمرکز بر محدود سازی حکومت وقت چین در حوزه های تسلیحاتی و نظامی بود که در چارچوب رژیم های چند جانبه کنترل صادرات^۱ علیه پکن اعمال می شد. در این رابطه آنچه بیش از هر چیز مورد تمرکز اعمال کنندگان چنین رژیم هایی قرار داشت، محدود سازی تجارت تسلیحات یا فناوری های تولید مرتبط با آن بود. بر همین مبنا رژیم موسوم به کوکوم^۲ یا «کمیته هماهنگ کننده کنترل های صادراتی چند جانبه» که از جمله نخستین رژیم های کنترل صادرات در نوع خود محسوب می شد، در ابعاد نظامی و تسلیحاتی، تحریم جمهوری خلق چین را در دستور کار خود قرار داد.

وجود برخی نقایص فنی در ساز و کار یاد شده در کنار عواملی چون نیاز اقتصادی مبرم کشورهای مختلف به ویژه شوروی به بازار تسلیحاتی چین که شرایط دور زدن این تحریم ها را به صورت مستقیم و غیر مستقیم فراهم می ساخت، موجب شد که فاز نخست تحریم های کشورهای غربی علیه پکن در حوزه کارآمدی و نیل به اهداف تعیین شده توفیق چندانی نیابد و به رغم ایجاد مشکلات مقطعی برای پکن، عملا کارآمدی مورد انتظار اعمال کنندگان این تحریم ها را محقق نسازد.

به رغم آنکه ساز و کار کوکوم به دلایل یاد شده در ابعاد بین المللی توفیقات لازم برای محدود کردن همه جانبه چین را بدست نیاورد اما در همین دوران، تحریم های اولیه ایالات متحده در فاز اقتصادی علیه پکن، جبهه اقتصادی چینی ها را هدف قرار داده بود و همین امر موجبات سقوط مناسبات تجاری وقت بین دو کشور را فراهم می آورد. به گواه اسناد و آمار وزارت بازرگانی ایالات متحده، میزان صادرات این کشور به چین در سال ۱۹۴۸ از رقم ۲۷۳ میلیون دلار به کمتر از صد میلیون دلار کاهش یافته و این میزان نیز تا سال ۱۹۵۰ همچنان سیر نزولی خود را ادامه داده و حتی به رقم ۳۳ میلیون دلار رسیده است^۳. در این دوران میزان صادرات محصولات نفتی از آمریکا به چین شامل بنزین، گازوئیل و دیگر فرآورده های صنعتی نفتی تا بیش از نود درصد کاهش یافته و از قضا تجربه رویارویی با همین رویکرد غرب در بازی با ابزار انرژی که معضلات بسیاری را در آن دوران بر سرمداران حزب کمونیست چین تحمیل می کرد، یکی از مبانی تحکیم

۱ Multilateral Export Control Regime (MECR)

۲ Coordinating Committee for Multilateral Export Controls (COCOM)

۳ 沙勒尔至甘尼尔，1951年1月18日，见时殷弘《敌对与冲突的由来——美国对新中国的政策与中美关系，1949—1950》，南京大学出版社1995年版，第121、123页。





مناسبات فعلی جمهوری اسلامی ایران با چین را به سبب استقلال تهران در اتخاذ سیاست های اقتصادی به ویژه در حوزه انرژی تشکیل داده است.

تا اینجا مرحله مقدماتی تحریم های ایالات متحده علیه چین در فاز بین المللی عمدتاً بر حوزه تسلیحاتی و در فاز محدودتر از جمله دوجانبه و بعضاً چند جانبه اغلب بر شئون اقتصادی متمرکز گشته بود؛ هر چند به گواه اسناد تاریخی^۴ توجه ایالات متحده به ابزار اقتصادی برای وارد آوردن فشار بر پکن از نخستین روزهای تشکیل نظام جمهوری خلق چین در دستور کار مقامات آمریکایی قرار داشته اما بکارگیری همه جانبه این ابزار از سوی واشنگتن به ایام جنگ دو کره و پس از عملیاتی شدن موضع پکن در پشتیبانی از پیونگ یانگ باز می گردد.

شعله ور شدن آتش جنگ دو کره در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ که حمایت چین و پشتیبانی نظامی شوروی سابق از کره شمالی در برابر جانبداری ایالات متحده آمریکا از کره جنوبی را در پی داشت، موجبات تشدید تحریم های کوکوم علیه پکن با هدف تنگ تر ساختن حلقه محاصره تسلیحاتی را تنها چند ماه پس از دور نخست تحریم های ضد چین کشورهای غربی فراهم آورد. با ورود نیروهای داوطلب ارتش رهایی بخش چین به خاک کره شمالی و درگیری مستقیم این کشور با فرآیند نظامی جنگ دو کره، ساز و کار «تحریم های جامع اقتصادی» علیه چین از سوی ایالات متحده و همپیمانان واشنگتن کلید خورد. با توجه به ابعاد گسترده مرحله دوم تحریم ها علیه چین که به منزله تغییر رویکرد دیپلماتیک واشنگتن علیه پکن از رویارویی نیم بند به یک رویارویی تمام عیار ارزیابی می شد، جمهوری خلق چین که در حوزه های داخلی و بین المللی نیز با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می کرد، در پی مقابله با موج دوم تحریم ها از جانب بلوک غرب بر آمد.

تحریم های آمریکا علیه چین در فضای پس از جنگ دو کره، عمدتاً به دو مرحله تقسیم می شود که مرحله نخست آن پیش از ورود مستقیم نیروهای داوطلب ارتش چین به خاک کره شمالی و مرحله دوم پس از آن عملیاتی می گردد.

۴ از جمله می توان به مواضع دین اچسون، وزیر خارجه وقت ایالات متحده در این خصوص اشاره کرد که در ۲۸ فوریه ۱۹۴۹ اشاره کرد که در گزارشی خطاب به شورای امنیت ملی آمریکا با عنوان «درباره سیاست های بازرگانی آمریکا در برابر چین» اعلام کرد: «حزب کمونیست چین در شرایط فعلی باید به چند موضوع از جمله تامین غذای مردم این کشور و باسازای سراسری در داخل تمرکز کند که در این زمینه طبعاً محتاج به کمک های خارجی و از جمله استفاده از ابزار تجارت با کشورهای غربی خواهد بود و بر همین اساس نخستین رویارویی نظریات کمونیستی با واقعیات جاری در کشور چین به طور مشخص در حوزه اقتصادی رخ خواهد داد و همین امر موثرترین سلاح برای مواجهه ایالات متحده با چین یعنی اهرم اقتصادی را برای ما فراهم خواهد آورد.» (Acheson to the National Security Council, Feb 28, 1949, RG59, Records of Policy Planning Staff, Box 13, National Archives, Washington, D.C)

نقطه شروع در فرآیند مرحله نخست این تحریم ها، شورای امنیت سازمان ملل متحد است؛ جایی که در تاریخ ۲۵ جون ۱۹۵۰ و در نتیجه دیپلماسی فشار آمریکا، شورا با صدور قطعنامه ای ممنوعیت هر گونه کمک به رژیم کره شمالی را از تمام اعضای خود مطالبه می نماید. سه روز بعد در تاریخ بیست و هشتم جون، ایالات متحده «تحریم های جامع اقتصادی» علیه پیونگ یانگ را به طور رسمی اعلان کرده و فردای آن روز وزارت امور خارجه این کشور با صدور فرمانی صادرات هر گونه محصولات نفتی از این کشور به چین را متوقف می نماید.

در روز سی ام جون، دولت آمریکا خواستار همراهی بریتانیا با این روند شده و طی کم تر از ده روز در دهم جولای درخواست مشابهی را از فیلیپین مطرح می نماید. در همان روز، سفیر و نماینده آمریکا در کمیته هماهنگ کننده کنترل های صادراتی چند جانبه (کوکوم) خواستار همراهی تمام اعضای این کمیته با تحریم های ضد کره شمالی شده و اعلام می نماید که واشنگتن همزمان خواستار همراهی تمامی اعضای این کمیته با سیاست های محدودکننده اقتصادی واشنگتن علیه چین (که پیش از این علیه شوروی و چند کشور اروپای شرقی نیز اعمال می شد) می شود.^۵ در تاریخ بیست و چهارم همان ماه، آمریکا موفق می شود ضمن همراه کردن بریتانیا، مکزیک، ونزوئلا و برخی دیگر از اعضای کوکوم، تحریم صادرات محصولات نفتی و پتروشیمی به چین را در چارچوبی بین المللی و چندجانبه عملیاتی سازد.^۶ همانگونه که مشخص است تا این زمان، نوک پیکان تحریم های ضد چین آمریکا متوجه دو حوزه تسلیحات و سپس فرآورده های انرژی است اما با ورود مستقیم نظامیان چینی به خاک کره شمالی در اکتبر ۱۹۵۰ تحریم های واشنگتن وضعیتی جدید به خود می گیرند.

به گواه منابع تاریخی با ورود نیروهای چینی به کره شمالی، در پی چندین دوره درگیری لفظی میان نمایندگان چین و آمریکا در جلسات شورای امنیت، نهایتاً در دومین روز از دسامبر همان سال، وزارت بازرگانی آمریکا با صدور بیانیه ای رسمی اعلام می کند که از تاریخ سوم دسامبر، صادرات تمامی محصولات این کشور به سرزمین اصلی چین، هنگ کنگ و ماکائو نیازمند مجوزهای مربوطه بوده و در این رابطه حمل هر گونه

از جمله می توان به مواضع دین اچسون، وزیر خارجه وقت ایالات متحده در این خصوص اشاره کرد که در ۲۸ فوریه ۱۹۴۹ اشاره کرد که در گزارشی خطاب به شورای امنیت ملی آمریکا با عنوان «درباره سیاست های بازرگانی آمریکا در برابر چین» اعلام کرد: «حزب کمونیست چین در شرایط فعلی باید به چند موضوع از جمله تامین غذای مردم این کشور و باسازای سراسری در داخل تمرکز کند که در این زمینه طبعاً محتاج به کمک های خارجی و از جمله استفاده از ابزار تجارت با کشورهای غربی خواهد بود و بر همین اساس نخستین رویارویی نظریات کمونیستی با واقعیات جاری در کشور چین به طور مشخص در حوزه اقتصادی رخ خواهد داد و همین امر موثرترین سلاح برای مواجهه ایالات متحده با چین یعنی اهرم اقتصادی را برای ما فراهم خواهد آورد.» (Acheson to the National Security Council, Feb 28, 1949, RG59, Records of Policy Planning Staff, Box 13, National Archives, Washington, D.C)

۵ The U.S.State Department, ed., Foreign Relations of the United States Diplomatic Papers (FRUS), 1950, Vol.6, pp.640, 644, 650, 651, 656—657.

۶ FRUS, 1950, Vol.6, pp.655—656.

ماده یا شی ای که به نوعی از سوی یک سرباز قابل استفاده باشد به چین ممنوع خواهد بود.

منابع چینی زبان در این رابطه تصریح دارند که اشاره دولت آمریکا به «هر چیز مورد نیاز یک سرباز» طبعاً مواردی چون پارچه، کیسه های پلاستیکی زباله و بسیاری از چیزهای دیگر را نیز مشمول این قاعده می کرده و به بیانی می توانسته شامل هر چیزی بشود.^۷ در همین چارچوب دولت آمریکا اعلام کرد که کلیه اموال متعلق به حزب کمونیست چین در خاک این کشور تحت کنترل شدید خواهد بود. علاوه بر این موارد، ممنوعیت حرکت کشتی های ثبت شده در ایالات متحده به سوی بنادر چین نیز به سبب این تحریم ها افزوده شد و به این ترتیب چین برای نخستین بار با واقعیتی به نام «تحریم های همه جانبه اقتصادی» مواجه گشت.

مقابله با تحریم ها: دو محور عمده و چند گام اساسی

با مرور وقایع رخ داده پس از اعمال عریان سیاست ضد چین از سوی آمریکا و بررسی مواضع پکن در مواجهه با این روند، می توان رویکرد نظام حاکم بر جمهوری خلق چین برای مقابله با این معضل خارجی را در دو محور عمده و نهایتاً برداشتن چند گام اساسی تحلیل و بررسی نمود:

محور نخست، تمرکز ویژه بر اقتصاد داخلی و درون زا است؛ مقامات چینی در این چارچوب با برگزاری نشست های متعدد ضمن ترویج و حمایت از محصولات داخلی و تولید ملی، تقویت مبادلات شهری و روستایی را در دستور کار دولت این کشور قرار داده و با گشودن بازار برای محصولات داخلی در حد امکانات آن دوران، به اجرای تدابیری چون توقف عرضه محصولات خارجی که آثار نامطلوب بر بازار داخلی داشته اند پرداخته و سیاست های این حوزه را با قوت و به طور زنجیره وار طی سال های متمادی پیگیری نمودند.

دومین محور اما هدف گذاری دولت چین در حوزه تجارت خارجی بود که در دو سطح استراتژیک و تاکتیکی در دستور پکن قرار گرفت؛ سطح استراتژیک شامل تعریف شوروی و کشورهای بلوک شرق (اغلب اروپای شرقی) به عنوان نقطه ثقل تجارت خارجی چین بود. در همین چارچوب کنفرانس ملی تجارت چین در ژانویه ۱۹۵۱ با صدور بیانیه ای سیاست «گسترش همه جانبه و فعال مناسبات تجاری با اتحاد جماهیر شوروی و دموکراسی های نوظهور نقاط مختلف» را مورد تاکید

قرار داد. پکن در این چارچوب از جانبی «سیاست گام به گام تنظیم تولیدات داخلی با بازار شوروی سابق و دیگر کشورهای هدف» را تدوین کرده و از سوی دیگر با طرح نیازهای جدی سال های آتی این کشور در حوزه های صنعتی، و مواد اولیه و تجهیزات با کشورهای مورد نظر، آن ها را به گسترش تولید در این زمینه ها ترغیب و تشویق نموده و خواستار استقلال تجاری اعضای «اردوگاه صلح و دموکراسی در برابر هژمونی اقتصادی آمریکا و دشواری های متعاقب تسلیم در برابر آن» شد.^۸

در نتیجه این سیاست پکن، طی سال ۱۹۵۰، مراودات تجاری چین با کشورهای اردوگاه سوسیالیسم، ۳۲٫۴ درصد رشد کرده و این روند تا سال ۱۹۵۱ ضمن تداوم سیر صعودی به ۵۲٫۹ درصد رسید. تداوم جدی سیاست های اقتصادی تعیین شده از سوی حزب کمونیست چین موجب شد این روند در سال ۱۹۵۲ ادامه یافته و رکورد رشد ۷۲ درصدی تجارت

با این کشورها را ثبت نموده و تا سال های پایانی دهه پنجاه میلادی نیز رشد ۷۰ درصدی مناسبات اقتصادی را همچنان ثابت و محفوظ بدارد. ارقام مربوط به رشد این مناسبات با شوروی سابق نیز با اندکی تفاوت وضعیتی مشابه را داشت و با سیر صعودی چشم گیری مواجه بود. در چارچوب این سیاست، چین طی سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵، یازده مورد وام از شوروی دریافت کرد که با توجه به وضعیت آن روز این کشور، کمکی قابل توجه برای پکن محسوب می شد؛ تصمیم سازان سوسیالیست چینی این وام ها را عمدتاً در زمینه خرید مواد نظامی و ساخت و ساز تجهیزات جنگی برای آنچه که «مقاومت در برابر تجاوز نظامی آمریکا به کره شمالی» نامیده می شد بکار می گرفتند. از سوی دیگر و در نتیجه سیاست های یادشده، چین از سال ۱۹۵۲ روند واردات تجهیزات صنعتی و انتقال فن آوری های روز را از کشورهای اروپای شرقی آغاز کرد که به نوشته منابع چینی زبان، در چارچوب این سیاست ۱۵۶ طرح از این پروژه ها مشمول دریافت پشتیبانی های فنی از جانب شوروی می شد. در همین دوران چین توانست روند واردات برخی تجهیزات اندازه گیری دقیق، ماشین آلات صنعتی بزرگ، فلزات غیر آهنی، ابزارآلات ارتباط از راه دور، وسایل آزمایش های علمی، تجهیزات حمل و نقل و مقادیر قابل توجهی نفت را از کشورهای باشگاه سوسیالیسم، اروپای شرقی و شوروی تثبیت کرده و از انجماد بازار داخلی و ایزوله شدن کشور در ابعاد مختلف پیشگیری نماید. در ازای واردات محصولات یاد شده، چین تامین برخی از مهم ترین مواد اولیه استراتژیک مورد نیاز این طرف ها از جمله مود معدنی نادر، فلزات کمیاب، فلزات غیر آهنی، سویا، برنج، روغن های گیاهی، گوشت، چای و موارد دیگر را با گسترش صادرات به این کشورها



در دستور کار خود قرار داد.^۹

چین در چرخشی هوشمندانه ضمن پیگیری استراتژی تثبیت و گسترش مراودات تجاری خود با بلوک شرق، در سطح تاکتیکی برنامه ریزی گسترده و دقیق برای گسترش همه جانبه مناسبات تجاری و بازرگانی خود با کشورهای بلوک سرمایه داری را جایگزین سیاست قهر و قطع رابطه نمود. طبعاً نزدیکی به کشورهای غربی در سایه تحریم های شدید آمریکا، پیچیدگی های خاص خود را داشت و به همین دلیل مقامات چینی پیگیری این تاکتیک را با برداشتن «پنج گام اساسی» را دستور کار خود قرار دادند؛ گام هایی که موجب می شد سیاست تجاری پکن از «رویکرد مبادلاتی صرف در حوزه کالا و خدمات» به «یک رویکرد حرفه ای تجاری - بازرگانی» مبدل گردد.

۷ 《中美关系资料汇编》第2辑上，世界知识出版社1960年版，第320页。

۸ 《对外贸易》，第472页。

۹ 沈觉人主编《当代中国对外贸易》上，当代中国出版社1992年版，第19页；孟宪章主编《中苏贸易史资料》，中国对外经济贸易出版社1991年版，第580页。

بسیار ناهموار و دشوار را در پیش گرفته بود.

چهارمین گام دولتمردان چینی در زمینه مرادوات با کشورهای غربی تغییر رویکرد «واردات کلان محصولات» به «واردات خرد و پراکنده» بود. بر این اساس پکن در پی متنوع سازی اقلام وارداتی مورد نظر خود از این کشورها بر آمده و به جای واردات گسترده در یک یا چند حوزه مشخص با اقلام کلان، واردات در حوزه های گسترده با اقلام کوچک را پیگیری نمود و جالب آنکه در همین دوران برخی از ماشین آلات حساس صنعتی نه به طور یکجا بلکه در بسته های کوچک و در فصول زمانی مختلف به چین وارد شده و با کارآمدی این طراحی، اهداف مورد نظر چین در برخی حوزه ها محقق شد. پنجمین گام سیاستگذاران چینی در مواجهه با تحریم های



آمریکا با هدف پی ریزی تعاملات تجاری با کشورهایی که در اردوگاه غرب تقسیم بندی می شدند، «تغییر مسیرهای واردات کالا» از این کشورها و متنوع سازی بازار مخاطب این کشور بود. قاعدتا با توجه به تحریم های آمریکا، مسیر ورود کالاهای مورد نیاز چین از ایالات متحده و برخی کشورهای بزرگ سرمایه داری در آن دوران باز و هموار نبود و لذا پکن در پی تعریف مسیرهای جدید واردات از مبدا کشورها و مناطق دیگر برآمد. در این رابطه نمونه های فراوانی از جمله واردات لاستیک مورد نظر چین از منطقه سیلان، واردات پنبه از مبدا پاکستان یا واردات برخی محصولات نفتی از مبدا ماکائو قابل ذکر است که در واقع با تغییر برخی مسیرها و جایجای مبادی و کانال های انتقال محصولات، هدف های تعیین شده برای پکن در آن دوران را محقق نمود.

در نتیجه پیگیری دقیق سیاست های پکن در دو محور یاد شده و برداشته شدن موفقیت آمیز پنج گام مذکور، جمهوری خلق چین توانست سد ایجاد شده از سوی آمریکا برای جلوگیری از ورود کالاهای اساسی به این کشور و ایجاد موانع اساسی در مسیر توسعه خود را شکسته به میزان مورد نیاز به اقلام مورد نظر خود دست یابد. در نتیجه پیگیری سیاست های چین در این زمینه، داروهای غربی مورد نیاز کشور به مقدار کافی در بازار چین عرضه گشته و اجناس و مواد ضروری مورد نیاز صنعت از جمله فولاد، ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین، لاستیک و بسیاری از اقلام

چینی ها در گام نخست، محصولات مورد نظر خود برای صادرات به کشورهای غربی را مطابق میزان اهمیت شان به سه دسته A، B، C و تقسیم بندی کرده و تنها برای تعداد محدودی از کالاهای مورد نظر جهت خروج از کشور ارز خارجی دولتی اختصاص دادند؛ طبعا محصولات رده های دو و سه تنها در صورت بروز شرایط خاص، می توانستند از امکانات ویژه دولتی برای خروج از کشور و صدور به کشورهای غربی بهره مند گردند. اما با توجه به نیاز چین به تولیدات کشورهای غربی در برخی حوزه های خاص گام دوم با عنوان سیاست «اولویت با واردات» از این کشورها تعریف شده در دستور کار مجریان اقتصادی قرار گرفت؛ بر این مبنا مبادلات اقتصادی با کشورهای بلوک غرب که کمتر تحت تاثیر هژمونی ایالات متحده قرار داشتند با اولویت بخشی به واردات محصولات مورد نیاز کشور در دستور قرار گرفت.

در ادامه با توجه به معضلات دولت چین برای مبادله با کشورهای غربی در سایه تحریم های آمریکا، گام سوم یعنی حمایت از خصوصی سازی و پشتیبانی شرکت های خصوصی طراحی شد. در این راستا، دولت چین ارائه بسته های حمایتی برای اشتغال در امر واردات محصولات مورد نیاز کشور را برنامه ریزی کرده و به نوعی در پی «دور زدن تحریم های آمریکا» بر آمد. طبعا در شرایطی که به واسطه تحریم های آمریکا، شرکت های تابلودار دولتی چین در مبادلات خود با همتایان غربی در مضیقه ای بی سابقه قرار داشتند، استفاده از امکانات شرکت های خصوصی،



سرمایه آن ها خارج از مرزها و توانایی بازرگانان غیردولتی برای چانه زنی در زمینه هایی چون قیمت یا کالاهای مورد نظر، ظرفیتی قابل توجه را برای واردات اجناس مورد نیاز کشور از کانالی غیر از کانال های مرسوم دولتی ایجاد می کرد؛ بنابراین پکن استفاده همه جانبه از این کانال را به شدت مورد توجه قرار داد. توجه به این نکته نیز ضروری است که فضای توصیف شده در این سطور، فضای کنونی جامعه جهانی با چارچوب های تجاری تسهیل شده و مرادوات تعریف شده و روان اقتصادی در سطوح بین المللی نبوده و صحبت از جهانی دوقطبی و البته کشوری است که در آن دوران با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می کرده و میلیون ها نفر از مردمانش را در اثر مسائل مختلف از

دیگر که در نتیجه تحریم های آمریکا و کشورهای همپیمان واشنگتن امکان ورود به چین را نداشتند، در این کشور موجود و مورد بهره برداری صنعتگران قرار گرفته^{۱۰} و به هر تقدیر چرخ اقتصاد چین به واسطه موانعی که تحریم های آمریکا ایجاد می کرد از چرخش باز ناپستاد.

جمله فحطی یا سیاست گذاری های غلط نبود کرده است. اما مسئله قابل توجه اینجاست که این کشور در شرایط فشاری که تحریم های آمریکا و غرب بر او تحمیل نموده، در پی بازتعریف اصول تجاری خود و هدف گذاری دقیق برای تحقق «اصل توسعه» بر آمده و صد البته که راهی

۱۰ 《对外贸易》，第470—474页。

در این مسیر البته ایالات متحده نیز در مواجهه با ضد حمله های چین بیکار ننشست و به عنوان مثال در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۱ با تصویب لایحه ای برای اعمال فشار بر کشورهایی که اصطلاحاً با «دور زدن تحریم ها» نافرمانی از سیاست های تحریمی واشنگتن را از کانال های مختلف پیگیری می کردند در دستور خود قرار داد. مطابق این مصوبه در صورت رصد صادرات به چین یا دیگر اعضای کلوب سوسیالیزم از سوی هر کشوری که از کمک های ایالات متحده (در حوزه های نظامی، اتمی، تسلیحاتی و جنگ افزار، نفتی، تجهیزات حمل و نقل با ارزش استراتژیک یا دیگر موادی که در ساخت تجهیزات نظامی مورد استفاده قرار می گیرند) برخوردار است، کمک های نظامی، مالی و اقتصادی واشنگتن به این کشورها در اسرع وقت متوقف خواهد شد.^{۱۱} به این لایحه همچنین لیستی مفصل شامل اجناسی که حمل آن ها به مقصد چین از نظر واشنگتن ممنوع بود، ضمیمه شده بود. از جمله نکات قابل توجه می توان به این موضوع اشاره کرد که آمریکا پنج ماه پیش از این تاریخ و در زمان تصویب قطعنامه مربوط به این ممنوعیت ها با هدف تسریع تصویب قطعنامه مورد نظر، از ارائه لیست جزئی خودداری کرده و نهایتاً با ضمیمه ساختن لیست مذکور به لایحه یاد شده، فرآیند این تحریم ها را با فشار بر کشورهای دیگر تکمیل نمود.

اما از جمله نکات مهم در این دوران بروز پاره ای انشقاقات سیاسی در جبهه حامی آمریکا برای تحریم چین بود که اصلی ترین نمود خارجی آن در اختلاف واشنگتن و لندن بر سر تشدید تحریم های حمل و نقل تجهیزات با کارکرد دوگانه یا مواد استراتژیک به چین از مبادی هنگ کنگ و ماکائو ظهور و بروز می یافت. هر چند که نهایتاً ایالات متحده به اعتراضات بریتانیا در این خصوص توجهی نکرد اما ناخشنودی انگلیسی ها و برخی از کشورهای دیگر از رویکرد آمریکا که خسارات سنگین اقتصادی را متوجه این مناطق آزاد تجاری می نمود از تحولات مهم این ایام محسوب می شود.^{۱۲} با گذشت مدتی از تحریم های آمریکا و همپیمانانش علیه کشورهای بلوک شرق، رفته رفته صداهای مخالف با این روند بلند شد که نقطه عطف آن، تجمع سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی ۲۱ کشور در کوپنهایک، پایتخت دانمارک و برگزاری کنفرانس بین المللی دو روزه اقتصاد جهانی در تاریخ ۲۸ و ۲۹ اکتبر ۱۹۵۱ بود. در این نشست تشکیل کمیته مخصوص اجلاس به تصویب اعضا رسید که از کشور جمهوری خلق چین نیز ۴ نماینده در آن حضور داشتند. دومین جلسه این کنفرانس یک سال بعد در مسکو تشکیل شد و بیش از ۴۷۰ تن از فعالان اقتصادی ۴۷ کشور جهان در آن حضور یافتند. برگزاری چنین نشست هایی برای چین، شوروی و برخی دیگر از کشورهایی که در میدان اقتصاد جهانی در رویارویی مستقیم با واشنگتن قرار داشتند، اهمیتی قابل توجه داشت.

در ادامه همین روند تحریم های اقتصادی آمریکا علیه چین و دیگر کشورهای غیرهمسو با واشنگتن، در فراز و نشیبی به طول دو دهه همچنان ادامه داشت تا این که در کنار مخالفت ها و پیگیری کشورهای غربی عمدتاً هم پیمان با ایالات متحده و وقوع شرایط بین المللی جدید، و البته مقاومت موثر چین در برابر این تحریم ها که به گسترش و متنوع سازی میادین اقتصادی از جانب پکن منجر شده بود، سه ماه قبل از انجام سفر محرمانه هنری کیسینجر به پکن در آوریل ۱۹۷۱ برای فراهم کردن شرایط سفر نیکسون به چین، تحریم های جامع اقتصادی آمریکا علیه این کشور ملغی شد.^{۱۳}

با سفر سال ۱۹۷۲ نیکسون به چین و دیدار با مقامات ارشد این کشور از جمله شخص مائو، عملاً دور جدیدی از مناسبات سیاسی و اقتصادی بین دو کشور آغاز شد و کمتر از یک دهه بعد از سال ۱۹۸۱، ایالات متحده

صادرات برخی فناوری های جدید به چین را آغاز کرده و در جریان وقوع برخی حوادث طبیعی از جمله زلزله با اعزام چندین فروند هواپیمای اختصاصی به این کشور کمک هایی را در اختیار چین قرار داد. روند رو به رشد و مثبت روابط چین و آمریکا که در سایه رفت و آمد مقامات دو کشور در حال تقویت بود به یک دهه نرسیده بود که در جون ۱۹۸۹ و در پی وقوع مسائل سیاسی در فضای داخلی چین که به غائله میدان تیان آن من در این کشور ختم شد، ایالات متحده با اعتراض شدید به پکن، ضمن لغو کلیه مراودات نظامی با جمهوری خلق چین، فشار به این کشور به بهانه مسائل حقوق بشری را در دستور کار خود قرار داد. در بحبوحه لغایف های مقامات سیاسی چین و آمریکا بر سر تحولات داخلی چین و آنچه از سوی واشنگتن «کشتار دانشجویان آزادیخواه در پکن» توصیف می شد، سیاست گذاران چینی که دیگر سایه «تحریم های جامع» سابق آمریکا را بر سر خود نمی دیدند، در تغییر جهتی مجدد از جانب آمریکا، رایزنی با کشورهای غربی و برخی دارندگان فناوری های نظامی پیشرفته از جمله رژیم صهیونیستی را فعال کرده و به گواه برخی منابع چینی، در این دوران مراوداتی نیز بین پکن و تل آویو برقرار شد که از سوی مقامات اسرائیلی با استقبال مواجه شده بود.

ایالات متحده اما به رغم پیگیری سیاست نگه داشتن چماق تحریم ها بر سر جمهوری خلق چین، به خوبی واقف بود که تفاوت چین اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ با چینی که در دهه های ۵۰ و ۶۰ ضربه «تحریم های جامع اقتصادی» را از او دریافت کرده تفاوتی از زمین تا آسمان است و بنابراین در تغییر رویکردی نرم، دامنه اقدامات تنبیهی خود علیه چین را از حوزه های بازرگانی و تجاری و کالاهایی که پیش از این «ضروری یا استراتژیک» نامید می شدند، به حوزه های تسلیحاتی محدود ساخته و عملاً از پیگیری سیاست تحریم های فلج کننده علیه چین عقب نشینی نمود و با پیشرفت برق آسای چین در حوزه اقتصاد جهانی، امروز بازی تحریم برای آمریکا علیه چین، به معادله ای دو سر باخت مبدل شده که در صورت اجرا، زیان های غیرقابل جبرانی را متوجه واشنگتن نیز خواهد



ساخت.

چین اما امروز در سایه تدابیر صحیح و برنامه های مدون و دقیق رهبران این کشور، نه تنها سایه تهدید تحریم های یکجانبه آمریکا را به صورت قابل توجهی از سر این کشور دور کرده بلکه با افزایش چشم گیر ظرفیت های داخلی و فرصت سازی در حوزه های بین المللی، شرایط را به

۱۱ 《中美关系资料汇编》第2辑上，第616页。

۱۲ FRUS, 1952—1954, Vol.14, p.19.

۱۳ FRUS, 1955—1957, Vol.2(GPO, 1986), pp.2—5.

گونه ای ساخته که موضوع مناقشه امروز این کشور از بحث تحریم که موضوعی «یکجانبه» بود به مسئله «جنگ تجاری» که میدان «یک تقابل دو جانبه» است تغییر یافته و در این فضا از سوی پکن بر خلاف موقعیت چند دهه قبل، که به دفاع صرف در برابر ضربات اقتصادی غرب و بعضا تاکتیک های ضد تحریمی متوسل می شد، گاه صدهایی مبتنی بر پاسخ درخور یا تهدید منافع آمریکا به گوش می رسد.

اکنون سیاست چین در قبال آمریکا، مبتنی بر رویکردی است که اندیشمند باستان این کشور منگ زه (که در متون غربی به نام منسیوس شناخته می شود) در حدود سیصد سال پیش از میلاد حضرت مسیح (ع) مطرح کرده است؛ این رویکرد در زبان چینی ¹⁴ Chu er fan er خوانده می شود و خلاصه آن همان عبارت معروف «زدی ضربتی ضربتی نوشتن» است. به این معنا که پکن در عین اعلام و اثبات پایبندی کامل خود به چارچوب های بین المللی و انجام تعهدات به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، رویکرد خود در برابر واشنگتن را متناسب با سیاست های حاکمان آمریکا تنظیم خواهد نمود. چینی ها در این زمینه نیز اصطلاحی دارند با عنوان ¹⁵ bian da bian tan که مفهوم آن با یک دست پس زدن و با دست دیگر پیش کشیدن و ترجمه اش از سوئی زدن و از دیگر سو مذاکره کردن است و این دقیقا سیاستی است که امروز پکن در مواجهه با واشنگتن در دستور کار خود قرار داده

در مواجهه با خطرات یا دشمنان، تغییر چهره و نفوذ کامل به فضای داخلی طرف مقابل است به گونه ای که خود آن طرف متوجه حضور سون وو کونگ نگشته اما ناخودآگاه تغییرات مورد نظر او را پذیرفته و نهایتا معضل پیش آمده بدون نزاع قابل توجهی حل و فصل می شود. امروز حضور چین در بسیاری از کشورهای دنیا به همین صورت است. بسیاری از ما عبارت «دیگر نمی توان چین را از معادلات جهانی حذف کرد» را از زبان بسیاری از کارشناسان یا مقامات کشورهای مختلف شنیده ایم؛ طبعا ایالات متحده نیز از این قاعده مستثنی نبوده و امروز نفوذ چین در تمامی ارکان اقتصاد جهانی از کوچکترین قطعات الکترونیک گرفته تا اسباب بازی های ساده کودکان یا قطعات خودرو و تجهیزات پزشکی و ... نمادی از همان ابزار خاص سون وو کونگ است که گویی امروز در دست حلقه اصلی رهبران حاکم بر حزب کمونیست چین قرار گرفته است..

نهایتا به رغم گستردگی تأثیرات روابط چین با ایالات متحده، پکن دنیا را در آمریکا یا غرب خلاصه نمی کند و این درسی است که یکجانبه گرایی آمریکا پس از فروپاشی شوروی سابق و ضربات تحریم های سخت واشنگتن علیه پکن به سیاست گذاران چینی آموخته است. طرح ایده «یک پهنه - یک راه»^{۱۸} (One Belt – One Road) از سوی شی جین پینگ، عالی ترین مقام جمهوری خلق چین و پیگیری همه جانبه و پشتیبانی بی سابقه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از آن به عنوان یکی از



مصادیق چندجانبه گرایی مورد نظر مقامات چینی با منافع مشترک در شرایط جدید بین المللی جای بسی تعمق و تدقیق دارد.

چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ دنیا که تجربه قابل توجهی در عبور موفق از کوران فشارها و تحریم های کشورهای غربی را در کارنامه خود ثبت کرده یک مورد خاص با ظرفیت های بی شمار محسوب می شود. در این دوران، تحقق واقعی «همکاری جامع استراتژیک» با چین برای بسیاری از قدرت های منطقه ای و نوظهور از جمله ایران امروز و نظام جمهوری اسلامی دیگر یک انتخاب محسوب نمی شود، بلکه یک ضرورت غیرقابل اغماض است. به نظر می رسد این ضرورت باید هر چه سریعتر در چارچوب سیاست های نظام برای متعادل سازی مناسبات دیپلماتیک مورد توجه تصمیم سازان کشورمان قرار بگیرد.

است. فضای فعلی مقامات چینی را در موقعیتی قرار داده که بیش از هر چیز به «معامله» با واشنگتن بر مبنای منافع متقابل بیندیشند و البته پکن اثبات کرده که در این مسیر و در صورت نیاز آمادگی پرداخت هزینه های لازم را نیز دارد.

چین اما در عین حال به وضوح دریافته که رویارویی مستقیم با ایالات متحده به هیچ وجه به سود هیچ یک از دو کشور نخواهد بود و بنابراین در تمامی مذاکرات علنی و غیر علنی این کشور بر این موضوع تأکید می نماید. اما حاکمان پرجمعیت ترین کشور دنیا در عین پیگیری سیاست های یاد شده، نه تنها در مواجهه با ایالات متحده که در تعاملات شان با بسیاری از کشورهای جهان از استراتژی روایت شده در یکی از افسانه ای تاریخ این کشور بهره می جویند. سون وو کونگ^{۱۶} (Sun wu kong) که در متون انگلیسی زبان به عنوان شاه میمون یا مانکی کینگ شناخته می شود، شخصیت افسانه ای یکی از مهم ترین رمان های چینی به نام «سیاحت غرب»^{۱۷} است؛ از اصلی ترین شاخصه های این شخصیت خیالی

- ۱۴ 出尔反尔
- ۱۵ 边打边谈
- ۱۶ 孙悟空
- ۱۷ 《西游记》
- ۱۸ 一带一路倡议